

چاپ و انتشار کتاب در زمینه هنرهای نمایشی کم کم به آرزویی دور و دست نیافتنی تبدیل می شود. عدم سرمایه گذاری جدی بخش خصوصی و دولتی در این زمینه، این تصور را پیش آورده که فعالیت های عمده و مثبت در این زمینه به صورت راکد درآمده است.

تنها در این صحنه تاریک گاهی کورسویی از دور دست به چشم می خورد که دل مشتاقان هنر نمایش را اندکی روشن می سازد و خونی می شود در رگ های نیمه جان این کالبدی که همگی از او قطع امید کرده اند. تصور بر این بود که صفحه معرفی کتاب همیشه صفحه ای پر بار و شلوغ باشد، اما چنین نشد. عدم سرمایه گذاری مناسب در این زمینه یکی از علل افت و افول هنر نمایش است ... بگذریم.

طی این مدت تنها دو کتاب بدستمان رسید که در این شماره به معرفی آنها می پردازیم و اگر کتابهای جدیدی به دستمان برسد در شماره های آینده به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

سیر نمایش در اردبیل

مؤلف: اتابک نادری
چاپ اول - ۱۳۷۴

نوشتن درباره تاریخ نمایش این مرز و بوم با توجه به کمبود منابع مکتوب اگر کار محالی نباشد، کار بسیار دشواری است. بسیاری از گوشه های تاریخ نمایش، در تاریکی فراموشی و یا بی خبری پنهان شده است و محققینی که به طور مستمر به این امر پردازند، بسیار اندک و نادر هستند.

البته کوشش هایی در این زمینه انجام گرفته است اما هیچکدام به نتیجه و ثمر نهایی نرسیده است. یا در نیمه راه رها شده (مانند ادبیات نمایشی در ایران) و یا پژوهشی است قدیمی انحلاط و کاسیت های زیاد است (مانند نمایش در ایران) که با توجه به پیشرفت های فراوان در زمینه روش تحقیق و روشن شدن بسیاری از تاریکی ها و بی خبری هایی که در این زمینه وجود دارد، دیگر اعتبار اولیه خود را از دست داده است. علت این امر را باید در عوامل مختلفی جستجو کرد که مهمترین آن عدم تربیت و وجود محققین ویژه این فن است، برای انجام این امر سترگ باید کسی پیدا شود که خود را وقف این کار کند. در یک کلام برای به ثمر رسیدن این نهال احتیاج به فداکاری و ایثار است.

محققین هنرهای نمایشی اگر اقبال یارشان باشد و باد موافق بوزد، فعالیت های تحقیقاتی خود را رها کرده و به تدریس در دانشکده ها و موسسات رنگارنگی که امروزه مثل قارچ از هر گوشه سر بیرون آورده، می پردازند. غافل از اینکه تحقیق شرط لازم تدریس است. اگر امروزه در معتبرترین دانشکده ها و موسسات تئاتری این مرز و بوم شاهد تدریس جزوه ۲۵ سال پیش یک استاد هستیم،



بخاطر بی توجهی و عدم فعال بودن به امر تحقیق است. نتیجه این سهل انگاری تبدیل شدن بزرگترین مراکز اجرایی تئاتر به محل هایی امن و دنج برای بازی بچه گربه ها، موشها و انواع و اقسام جانوران مودی است.

تجربه نشان داده است که همیشه سرمایه گذاری در بخش بنیادی نتیجه ای شگفت انگیز داشته است. برای همین بسیاری از گروه های موفق دنیا بیشترین وقت خود را صرف مراحل تحقیق و بررسی امکان اجرای داستان، گوشه ها، آداب و رسوم و ... نمایشنامه ای می کنند که قصد اجرای آن را دارند. زیرا می دانند تحقیق و پژوهش زیر بنای هر هنری از جمله نمایش است.

با نگاهی گذرا به فعالیت های پژوهشی در چندین سال گذشته متوجه نکته دردآوری می شویم. مرکز هنرهای نمایشی که متولی این امر است، از مدت ها قبل فعالیت های پژوهشی خود را راکد گذاشته و بهانه همیشگی خود یعنی بودجه را می گیرد. موسسات و سازمان های دیگر نیز بیشتر به فکر برگزاری جشنواره های رنگارنگ هستند تا تحقیق و پژوهش. بخش خصوصی نیز تمایل بسیار اندکی برای سرمایه گذاری در این قسمت دارد زیرا در آنها موضوع سرمایه و برگشت سرمایه مطرح است و ...

در این میان تنها می ماند کوشش های خام و دلسوزانه جوانانی که اکثراً دانشجو هستند. «سیر نمایش در اردبیل» کوشش های یکی از این جوانان دلسوز است. «اتابک نادری» فارغ التحصیل رشته تئاتر است که چندی است پایان نامه مقطع کارشناسی خود را با سرمایه شخصی به دست چاپ سپرده است. سعی نویسنده بر این بوده است که با گردآوری کلیه مطالب مکتوب و غیر مکتوب تصویری از تئاتر اردبیل به دست بدهد. سطر به سطر کتاب نشانگر کوشش های خستگی ناپذیر این جوان شهرستانی علاقمند به هنر نمایش و متعصب به قوم و اجداد خود است.

کتاب فوق در ۶ فصل تدوین شده است. در فصل اول مولف کتاب به «پیشینه تاریخی شهر اردبیل و نمایش در آن» می پردازد. «عزاداری و شیبه خوانی»، «تئاتر در اردبیل از آغاز تا سال ۱۳۵۷»، «تئاتر در اردبیل بعد از انقلاب اسلامی»، «تئاتر در تلویزیون اردبیل»



نوشته «مسعود سمیعی»، «خدای عشق» نوشته «محمد احمدی»، «دو حکایت از چندین حکایت رحمان» نوشته «علیرضا نادری نجف آبادی»، «گودکان در حلبچه می میرند» نوشته «عبدالحی شماسی» و «مسافر» نوشته «مسعود سمیعی» عناوین ۸ نمایشنامه‌ای هستند که در این مجموعه چاپ شده است.

این برای اولین بار است که مجموعه منسجمی به این شکل به دست چاپ سپرده شده است. در قسمت‌هایی از مقدمه کتاب آمده است:

«تئاتر به طور عام همیشه موظف بوده، در مقام راهنما و روشنگر، از درد و رنج‌های تحمیل شده به بشر سخن براند و بشر به عنوان موجودی جستجوگر، کاشف، حق خواه، حق جو و خداپوی همیشه خواسته است به نادانسته‌ها فائق آید و دانسته‌ها را بکاود و آنگاه که حقایق بر او روشن شد آن را حفظ، ضبط و ثبت نماید... از جمله وقایعی که ملت ما در فراز و نشیب پرشور و متلاطم آن مردانه در عرصه‌های رویارویی پلیدی و بلشتی با ایمان و عشق، هشت سال را با ایثار، یگانگی و رشادت تمام پشت سر نهاده، مبارزه قاطع با استکبار و کفر جهانی در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بوده است ...»

در چنین وضعیتی یکی از وظایف انسان فرهیخته و اندیشمند این است که به چند و چون این واقعه عظیم بپردازد و تعهد مقدس قلم را نسبت به تاریخ و آیندگان بجای آورد. اکنون کشور ما و حقیقت جامعه ما بر واژه‌هایی چون ایثار، شهادت، مقاومت، وحدت و بسیج بنا شده است. همه آنهایی که دوران دفاع مقدس در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شرکت داشتند «تئاتر جبهه‌ای» را به یاد دارند و می‌دانند که در آن تبسم‌ها و اشک‌ها چه عشقی موج می‌زد، تئاتر مقاومت کوشش‌های نمایشنامه نویسان جوان است که بعضی از آنها از قبیل «علیرضا نادری نجف آبادی» و «محمدجواد کاسه ساز» در حیطه دفاع مقدس و مسائل مربوط به آن تخصص دارند. دست دوستانمان در بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس را می‌فشاریم و منتظر فعالیت‌های دیگر آنان هستیم.

و سینما و فیلمسازی در اردیبه‌ماه و عنوان ۵ فصل بعدی کتاب هستند. اگر چه طبق گفته مؤلف کتاب، تحقیق و نگارش آن ۳ سال طول کشیده است اما در بعضی موارد بازشتابزدگی‌هایی به چشم می‌خورد. مخصوصاً فصل‌های ۵ و ۶ که بسیار سردستی مونتاز شده است. در این دو فصل مولف تنها به نقل نام نمایش‌هایی که در تلویزیون اجرا شده و ذکر خاطرات یکی دو تن از هنرمندان اردیبه‌ماه اکتفا کرده است.

علاوه بر این اطلاعاتی که درباره نمایش‌های عروسکی در اردیبه‌ماه می‌دهد به نظر نادرست می‌آید. نویسنده در صفحه ۲۵ کتاب می‌نویسد: «نمایش سایه‌ای یا کولگه ایونی نیز در گذشته‌های دور وجود داشته است. در آذربایجان، زمانی که مردم زندگی صحراگردی داشتند و چادر نشین بودند، شب‌ها که در چادرها جمع می‌شدند و به گفتگو می‌پرداختند به سایه‌هایی که از حرکات آنها در برابر آتش بر روی چادرها می‌افتاد، توجه پیدا می‌کنند و کم‌کم به فکر بازی و سرگرمی بوسیله این سایه‌ها می‌افتند... این جملات از کتاب «دنیای گسترده نمایش عروسکی» اثر بهروز غریب‌پور» نقل شده است. البته با این تفاوت که بهروز غریب‌پور در آن کتاب این جملات را در پیدایش هنر عروسکی سایه‌ای در دنیا آورده است ولی در اینجا همین مسئله به آذربایجان تعمیم داده شده است البته با یاری و پشتیبانی دو کلمه «در آذربایجان» و «کولگه ایونی» که به متن اصلی کتاب اضافه شده است. تعمیم این امر به یک منطقه خاص لزوماً نمی‌تواند درست باشد مضافاً اینکه مولف هیچ اسمی از کتاب غریب‌پور در هیچ کجا نیاورده است.

بهرحال سیر نمایش در اردیبه‌ماه کوششی است زیبا و متهورانه در شناساندن هنر نمایش در این منطقه از کشور. جا داشت نویسنده با جستجوی بیشتر منابع، اطلاعات جامع‌تر و بکرتری را جمع‌آوری می‌کرد و بعد از پالایش آنها دست به تألیف می‌زد. استاد بعضی از قسمت‌های بسیار مهم کتاب به منابع شفاهی - که به قول آقای نادعلی همدانی در مقدمه کتاب، زیاد اطمینانی هم به آنها نیست - و همچنین مشخص نشدن منابع شفاهی از کتبی به صورت اخص، به چهره کتاب لطمه می‌زند. کتاب با خرج پدر مولف چاپ شده است. اجر چنین حرکت زیبایی فرهنگی هیچگاه از یادها نمی‌رود، هر چند ناسپاسان به آن توجهی نداشته باشند. منتظر نوشته‌ها و آثار دیگر نویسنده می‌مانیم.

تئاتر مقاومت

مجموعه ۸ نمایشنامه

ناشر: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس

چاپ اول، ۱۳۷۳

مدیریت ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس دست به انتشار ۸ نمایشنامه در موضوعات مختلف جنگی زده است. نمایشنامه‌های فوق منتخب مسابقه نمایشنامه نویسی دفاع مقدس در خرداد سال ۱۳۷۳ است. «اهل اقایا» نوشته «سعید شکری»، «با من مثل دریا» نوشته «محمدجواد کاسه ساز»، «بوی خوش جنگ» نوشته «عبدالرضا حیاتی»، «چهار خاطره از جنگ»